

مقدمه

مشارکت اولیا در فعالیتهای آموزشی و پرورشی، به رابطه مؤثر آنها با مدارس بستگی دارد. مشارکت، بخشی از فرایند تعلیم و تربیت را شکل می‌دهد، بر نظام یاددهی - یادگیری تأثیرات قابل ملاحظه‌ای دارد و روند آموزش را متأثر می‌سازد. ارتباط با مدرسه، چنانچه با ظرافت و دقت همراه باشد به دانش‌آموزان کمک می‌کند اعتماد به نفس بیش‌تری پیدا کنند و در فعالیتهای یادگیری موفق‌تر عمل نمایند. به معلم باری می‌دهد تا با ویژگی‌های رفتاری دانش‌آموزان آشنا تر شود و ارتباطی مؤثرتر با آنان برقرار کند. به اولیا کمک می‌کند تا از عملکرد فرزندشان در مدرسه و در زمینه‌های آموزشی و پرورشی بیش‌تر آگاه شوند و به نظام کلی مدرسه کمک می‌کند تا با کاهش مسائل مربوط به یادگیری و مشکلات انضباطی دانش‌آموزان، محیطی سالم‌تر و مناسب‌تر برای فرایند آموزش و پرورش به وجود آورد.

فرایندهای مهم نظام آموزش و پرورش، از جمله: فرایند اجتماعی‌شدن، فرهنگ‌آموزی و تکوین شخصیت، از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. این فرایندها ابتدا در خانه شکل می‌گیرند و سپس در آموزشگاه و غالباً هم‌زمان با هم تقویت شده، به وسیلهٔ سایر نهادهای اجتماعی ادامه می‌کنند.

همکاری خانه و مدرسه در شکل‌گیری این فرایندها متجر به تربیت فردی می‌شود که ضمن پایبندی به ارزش‌های جامعه و دفاع از آن، با مسئولیت‌پذیری از عهدهٔ وظایفی که برایش در نظر گرفته می‌شود، به جویی برآید و وجودش در رشد و توسعهٔ جامعه مفید و مؤثر باشد. در این نوشتار، بسا بیان مفهوم ارتباط و چگونگی برقراری ارتباط مؤثر با مدارس و ضمن اشاراتی کوتاه به تاریخچه و اهداف انجمن اولیا و مربیان، به بررسی اهمیت و ضرورت مشارکت اولیا در فعالیتهای آموزشی و پرورشی، موانع مشارکت اولیا و ارائهٔ برخی از راهکارهای افزایش مشارکت می‌پردازیم.

مفهوم ارتباط

ارتباط عبارت است از رابطهٔ بین دو یا چند نفر، به‌منظور انتقال اطلاعات، به‌عبارتی، ارتباط، نوعی فعالیت دو طرفه است که در آن تلاش می‌شود هدفی مشخص تحقق پیدا کند.

مشارکت اولیا در فرایند تعلیم و تربیت

ارتباط مؤثر ارتباطی است که از طریق آن شیوهٔ نفوذ بر دیگران آزمایش شود. از طریق این نوع ارتباط، توافق و تفاهم تقویت شده، عملکردهای افراد، با تلاش و کوشش بی‌دریغ و با عشق به عمل مطلوب، همراه می‌گردد. (امیرحسینی، ۱۳۸۴).



سازمان پژوهش‌های تربیتی
فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷
شماره ۴۳ ۳۳۲

محمد نصیری

چگونگی ارتباط مؤثر با مدارس

برای برقراری ارتباط مؤثر با هر مجموعه سازمانی نیاز به شناخت اهداف، وظایف و قوانین و مقررات حاکم بر آن مجموعه است. در آموزش و پرورش جامعه ما هدف‌های هر دوره تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه) به شکل کلی در زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی، آموزشی و زیستی مشخص شده‌اند و در هر یک از زمینه‌ها اهداف عملیاتی تر شده، همه کوشش‌ها و تلاش‌ها را در تدوین درس‌ها و چگونگی تدریس به خود اختصاص می‌دهند. اگرچه این هدف‌ها از تعدد بسیار زیاد برخوردارند و تحقق هر یک از آن‌ها نیازمند تخصص ویژه در زمینه تعلیم و تربیت بوده، برنامه‌ریزی‌های راهبردی و عملیاتی خاص را می‌طلبد، ولی آگاهی اولیا از آن‌ها می‌تواند موجب ارتباط مؤثرشان با مدارس گردد.

هم‌چنین برای دستیابی به این هدف‌ها ساختارهای مختلفی تعریف شده‌اند، مهم‌ترین آن‌ها مدارس می‌باشند که به‌طور مستقیم امر تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان را به عهده دارند. مدرسه، اصلی‌ترین رکن تعلیم و تربیت شناخته شده است که با همکاری کلیه کارکنان و با مشارکت دانش‌آموزان و اولیای آنان زیر نظر مدیر مدرسه اداره می‌شود (آیین‌نامه اجرایی مدارس، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش). برای اداره مطلوب مدرسه ارکان و شوراهایی تعریف شده است که عبارت‌اند از: ۱- مدیر مدرسه ۲- شورای مدرسه ۳- انجمن اولیا و مربیان ۴- شورای معلمان ۵- شورای دانش‌آموزان (همان منبع).

از جمله ساختارهای تعریف شده در آموزش و پرورش، انجمن اولیا و مربیان است که نقش آن برقراری ارتباط بین خانه و مدرسه و ارتقای کیفیت فعالیت‌های آموزشی و پرورشی می‌باشد. برای برقراری ارتباط مؤثر میان خانه و مدرسه، شناخت اجمالی اولیا از انجمن اولیا و مربیان و مزایای مشارکت آن‌ها در قالب انجمن‌های مدارس، امری ضروری است.

آشنایی با انجمن اولیا و مربیان

انجمن اولیا و مربیان که مهم‌ترین جایگاه ارتباط اولیا با مدرسه است، در سال ۱۳۲۶، با نام «انجمن خانه و مدرسه» کار خود را آغاز کرد. در آن زمان، در ۹ بند وظایفی برای انجمن تعیین گردید. در برنامه نیز انجمن به عنوان سازمانی غیرانتفاعی و غیردولتی و بدون تعصبات مذهبی، طبقاتی، نژادی و سیاسی در نظر گرفته شد که صرفاً جنبه تربیتی و همگانی داشت. اگرچه تقریباً همه اهداف انجمن خانه و مدرسه به جنبه‌های تربیتی، از طریق برقراری ارتباط صحیح بین مدرسه و خانه، توجه داشت، ولی نگاه صرفاً مادی مدارس به مشارکت اولیا

باعث فاصله گرفتن خانواده‌ها از مدارس شد. این موضوع به نوبه خود سبب گردید که مدارس، مهم‌ترین پایگاه خود برای شناخت نیازهای روحی و روانی دانش‌آموزان، یعنی خانواده را از دست بدهند و در نتیجه نسبت به تعلیم و تربیت آینده‌سازان جامعه از موفقیت کم‌تری برخوردار شوند. این مشکل و ضرورت‌های نظام آموزش و پرورش موجب شد اساسنامه انجمن اولیا و مربیان، در سال ۱۳۶۷، با اهداف و رویکردی جدید به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برسد. در این اساسنامه نیز اهدافی هفت‌گانه برای انجمن در نظر گرفته شد. براساس تعریف، انجمن مؤسسه‌ای قلمداد شد که زیر نظر مدیریتی منصوب شده توسط وزیر آموزش و پرورش، با عنوان قائم مقام وزیر و با بهره‌مندی از مشارکت و همیاری همه جانبه مردم به عرضه خدمات تربیتی می‌پردازد (اساسنامه انجمن مرکزی اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش).

در نگاهی اجمالی به اهداف انجمن اولیا و مربیان درمی‌یابیم که قانونگذار با توجه به ابعاد مختلف ارتباط بین خانه و مدرسه، تربیت اصولی و صحیح کودکان، نوجوانان و جوانان را مطابق با فرهنگ و نیازهای جامعه اسلامی، مدنظر داشته و خانواده را به عنوان یکی از ارکان تربیت صحیح فرزندان محسوب کرده است. بنابراین، دستیابی به اهداف یاد شده تنها در سایه مشارکت گسترده و عمیق اولیای دانش‌آموزان در تعلیم و تربیت امکان‌پذیر است. به عبارتی، همه اولیا باید در امور مدرسه مشارکت فعالانه داشته باشند و با هماهنگی میان خانه و مدرسه در رفع نیازهای جسمی و روحی و روانی دانش‌آموزان مؤثر واقع شوند. برای ایجاد چنین مشارکتی باید شناخت نسبتاً بالایی از ضرورت، موانع و مشکلات پیش روی مشارکت اولیا و مربیان وجود داشته باشد.

ضرورت مشارکت اولیا در امور مدرسه

نظام مشارکت، عاملی برای درهم شکستن موانع رشد و پیشرفت و ایجاد فضایی مناسب برای انس و همدلی و اتفاق نظر اولیا و مربیان است و با ایجاد محیطی گرم و صمیمی برای دستیابی به خواست‌های مشترک خانه و مدرسه، که همانا تربیت صحیح نسل آینده می‌باشد، تلاش و کوشش داوطلبانه و همگانی را به همراه می‌آورد. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «اندیشه مردان را به هم بیفزای آنرا که نزدیک‌تر به صواب و دورتر از شک و شبهه است، برگزین. هر آن که به رأی خود متکی شد، خویش‌تر را به خطر افکنده و هر کس برای اندیشه‌های ناب آغوش گشود، موارد خطا را خواهد شناخت».

امام خمینی (ره)، در زمینه رابطه اولیا و مربیان می‌گویند: «مادران و پدران توجه داشته باشند که آنان از همه کس مؤثرتر

برای نجات فرزندان شان از گرداب جهل و فساد می باشند. به همین جهت دلسوزانه و متعهدانه با اساتید فرزندان شان در تماس باشند و آنان را در این مهم یاری نمایند و از آنان باری بگیرند. امیدوارم این نونهالان، استقلال فرهنگی، سیاسی و نظام فردای ما را تأمین کنند و ما را از شر ابرقدرت ها نجات دهند و پایه گذار جهان سوم راستین باشند» (پیام حضرت امام خمینی به مناسبت آغاز سال تحصیلی، مهر ۱۳۶۱).

یاری رساندن اولیا به مدرسه و یاری گرفتن آن ها از مربیان، تأثیر مستقیم بر میزان یادگیری مباحث علمی - فرهنگی و به کارگیری آن ها در زندگی اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان خواهد داشت. مدرسه می تواند با اطلاعاتی که از والدین درباره فرزندان شان دریافت می کند، با وضعیت روحی، روانی و جسمی دانش آموز آشنا شود و رفتار مناسب را نسبت به او در پیش گیرد و در مسیر فرهنگ و تاریخ جامعه قدم بردارد، دانش آموز را با مزایای عاطفه، مهر و محبت آشنا سازد و یکدلی، یکرنگی، صداقت، صمیمیت، مردم داری و سایر فضایل اخلاقی را در او ایجاد کرده، تحکیم بخشد و در صورت نیاز با سایر ارگان ها و نهادهای تربیتی جامعه در جهت رشد و تکامل بیش تر دانش آموزان همکاری کند.

یاری گرفتن اولیا از مدرسه نیز موجب شناخت بیش تر آن ها از توان علمی - آموزشی و وضعیت تربیتی فرزندان شان می گردد و با برقراری ارتباط آگاهانه با مدرسه اقدامات لازم را در جهت رشد و کمال آنان انجام می دهند. این یاری گرفتن ها موجب تعامل بیش تر میان اولیا و مربیان می گردد و باعث می شود شناخت و درک عمیق تری نسبت به یکدیگر و روش های تربیتی حاکم بر خانه و مدرسه پیدا کنند و هماهنگ تر عمل نمایند.

ناهماهنگی میان روش های تربیتی خانه و مدرسه برای کودکان، نوجوانان و جوانان تبعات منفی به همراه دارد. این موضوع موجب دوگانگی و شاید چند گانگی شخصیت آن ها می گردد. آنان باید در خانه به خواست ها و تمایلات والدین توجه داشته باشند تا بتوانند حمایت آن ها را کسب کنند و در مدرسه نیز سعی کنند خود را در چهارچوب قوانین و مقررات مدرسه و خواست های مربیان قرار دهند. در این وضعیت، دانش آموز دچار نوعی سردرگمی شده، نمی داند کدام یک از دو نهاد تربیتی درست عمل می کنند. بدین ترتیب نقش سایر عوامل تأثیر گذار بر شخصیت او، از قبیل گروه همسالان، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و... پر رنگ تر می شود و او را به سویی خواهند کشاند که می خواهند.

تعامل اولیا با مدرسه همه فعالیت های دانش آموز را تحت الشعاع قرار خواهد داد. وقتی پدر یا مادری به مدرسه مراجعه می کند، فرزندش احساس غرور و سربلندی می نماید و نیز خود را مقید به رفتارهای پسندیده می سازد. او احساس می کند

والدینش به او و مربیان مدرسه احترام گذاشته اند، در نتیجه او نیز برای مدرسه و معلمانش احترام قائل خواهد شد. نوعی روحیه اجتماعی پیدا می کند و نسبت به جامعه و مسائل مربوط به آن احساس مسئولیت می نماید. دانش آموزان تا اندازه ای مدرسه را شبیه خانه و خانه را شبیه مدرسه می دانند، حال چنان چه انتظارات این دو از دانش آموز شبیه به هم و رفتارشان در یک جهت باشد، بهترین وضعیت برای تربیت صحیح آینده سازان جامعه رقم می خورد. به طور خلاصه مزایای مشارکت اولیا در امور مدرسه عبارت اند از:

- تأکیدی است بر شأن و منزلت انسان ها.
- موجب خودکنترلی دانش آموز می گردد.
- دل و ذهن اولیا را نسبت به مدرسه، به زبان شان پیوند می دهد.
- موجب افزایش هماهنگی و همکاری خانه و مدرسه می گردد.
- موجب تحکیم شخصیت سالم در دانش آموز می گردد.
- موجب افزایش حس مسئولیت در اولیا و مربیان می شود.
- روابط واقع بینانه میان اولیا و مربیان گسترش می یابد.
- دانش آموزان در یادگیری مطالب درسی احساس مسئولیت بیش تری می کنند.
- مدرسه راحت تر اداره می شود.
- وقت مربیان آزادتر می شود (به جای پرداختن به کنترل دانش آموزان، به برنامه ریزی و هدایت مدرسه اهتمام می ورزند).
- مزایای فوق و ده ها مزایای دیگر مشارکت اولیا در امور مدرسه، نهایتاً منجر به بهبود شرایط آموزشی، فرهنگی و اجتماعی می شود که این امر حال و آینده جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد.

موانع مشارکت اولیا در امور مدرسه

چنان چه مشارکت را گذر از تفکر سنتی اداره امور به حساب آوریم، بدیهی است برای تحقق آن دشواری های وجود داشته باشد. مشارکت، نگاه قدرت طلبانه و ساختارهای سنتی اداره را به مبارزه می طلبد، بنابراین طبیعی است خود این ساختارها از جمله موانع اصلی مشارکت به حساب آیند. موانع مشارکت اولیا در امور مدرسه، در قالب انجمن اولیا و مربیان را، می توان از دو منظر مورد توجه قرار داد:

- ۱- موانع مشارکت اولیا از سوی مدرسه
- ۲- موانع مشارکت از جانب اولیا

موانع مشارکت اولیا از سوی مدرسه

در هر مجموعه ای مدیر به عنوان اثرگذارترین عامل در موفقیت یا عدم موفقیت آن مجموعه در دست یابی به اهداف



و عدم آگاهی اولیا نسبت به حقوق خویش است. بسیاری از اولیا معتقدند که مسئولان مدرسه ارزشی برای عقاید و نظریات آموزشی و پرورشی آنها قائل نیستند. بسیاری از اولیا نیز تعلیم و تربیت را وظیفه دولت می‌دانند. و هرگونه مسئولیتی در این زمینه را از خود سلب می‌کنند. برخی به تجربه دریافته‌اند که مسئولان مدرسه از طریق انجمن اولیا و مربیان مدرسه تنها نگاه اقتصادی به آنها دارند و در دیگر امور هیچ حقی برایشان قائل نیستند. عواملی از این نوع و عدم آگاهی اولیا نسبت به حقوق خویش و فرزند خود موجب گردیده است که ارتباط اولیا و مربیان از انسجام لازم برخوردار نباشد. نتیجه این امر، عدم موفقیت لازم در تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان بوده است. به‌طور خلاصه، برخی موانع مشارکت از سوی اولیا عبارت‌اند از:

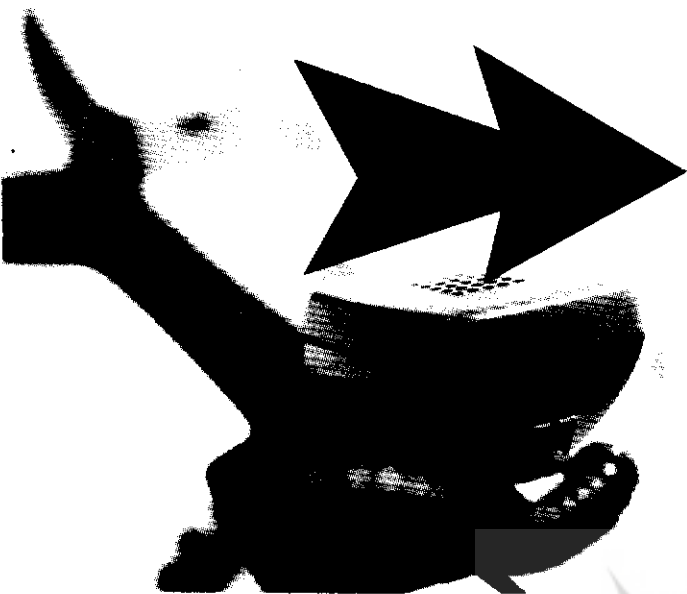
- ۱- عدم آگاهی از مزایای مشارکت.
 - ۲- عدم آگاهی از حقوق خویش در قبال مدرسه.
 - ۳- ترس از درخواست کمک مالی به مدرسه.
 - ۴- ترس از موضع‌گیری خشونت‌آمیز مسئولین مدرسه در قبال ارائه عقاید و نظریات آموزشی و پرورشی.
 - ۵- نداشتن فرصت مشارکت.
 - ۶- عدم آگاهی نسبت به چگونگی مشارکت.
 - ۷- باور داشتن به مسئولیت‌پذیر بودن فرزند در دوره راهنمایی، به ویژه دبیرستان.
 - ۸- احساس بی‌توجهی نسبت به عقاید و نظریات آنها توسط مسئولین مدرسه.
- به جز موانع فوق که در ارتباط اولیا با مدرسه مورد توجه قرار گرفتند، موانع دیگری نیز باعث عدم مشارکت اولیا در

قلمداد می‌شود. از این‌رو نگاه مدیر مدرسه به انجمن اولیا و مربیان و مشارکت اولیا در امور مدرسه نقش اساسی در نزدیکی یا دوری اولیا به مدرسه ایفا می‌کند. نگاه مشارکت جویانه مدیران موجب استفاده مطلوب از ظرفیت‌های اولیا می‌گردد و آنها نیز با نگاه خدمت به فرزندان خویش با مدرسه ارتباط صمیمی برقرار نموده، در رفع موانع و مشکلات آموزشی و پرورشی، از هرگونه اقدامی دریغ نمی‌کنند. برعکس، نگاه منفی مدیران به مشارکت اولیا موجب فاصله گرفتن آنها از مدرسه می‌شود و عملاً حل مسائل و مشکلات آموزشی و پرورشی مدرسه به آسانی صورت نمی‌گیرد. به‌طور خلاصه موانعی که از سوی مدرسه بر سر راه مشارکت اولیا در امور ایجاد می‌شود، به قرار زیر است:

- ۱- نگاه تنبلی مدیر به اداره مدرسه.
- ۲- آشنا نبودن مربیان به مزایای مشارکت اولیا.
- ۳- احساس ناتوانی در هدایت اولیا به سمت فعالیت‌های آموزشی و پرورشی.
- ۴- ترس از مداخله بیجای اولیا در امور مدرسه.
- ۵- نگاه منفی مدیر به حضور اولیا در مدرسه.
- ۶- ترس از کم شدن قدرت مدیر یا به عبارتی قدرت طلبی مدیر.
- ۷- نگاه سنتی به انجمن اولیا و مربیان مدرسه.
- ۸- عدم انگیزه مدیر در جلب مشارکت اولیا.

موانع مشارکت از جانب اولیا

عدم مشارکت اولیا در امور مدرسه به عوامل متعددی بستگی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها عوامل فرهنگی و اجتماعی



۲- بازنگری در قوانین و مقررات موجود در زمینه ارتباط اولیا با مدارس و تدوین قوانین مرتبط با موضوع، در سطحی بالاتر از آموزش و پرورش، از جمله در هیأت محترم دولت یا مجلس محترم شورای اسلامی، با توجه به نیازها و الزامات فراروی جامعه.

۳- هدایت قانون‌مند مدیران آموزش و پرورش از جمله مدیران مدارس در جهت جلب مشارکت‌های اولیا و ارزیابی از عملکرد آن‌ها در این زمینه.

۴- پخش برنامه‌های مناسب از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی، به ویژه تلویزیون، برای تبیین مزایای مشارکت اولیا در امور مدرسه.

۵- افزایش منابع و امکانات انجمن اولیا و مربیان برای اجرای برنامه‌های مرتبط با جذب مشارکت‌های اولیا.

منابع:

- ۱- مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۲). تهران: انتشارات مدرسه.
- ۲- مجموعه مقالات سومین سمپوزیوم جایگاه تربیت (تابستان ۱۳۷۳). دبیرخانه سمپوزیوم.
- ۳- ناظم، جلال (۱۳۸۱). اندیشه‌های سبزی و بهره‌ور. تهران: انتشارات اکباتان.
- ۴- دیویس، کیت و نیوارستورم، جان (۱۳۷۰). رفتار انسانی در کار. ترجمه محمد علی طوسی.
- ۵- امیر حسینی، خسرو (۱۳۸۴). خانواده خوشبخت، فرزند موفق. تهران: انتشارات عارف کامل.

امور مدرسه می‌گردد که از جمله آن‌ها فقدان مکان مناسب برای حضور اولیا در مدرسه و برقراری ارتباط با مربیان، فقدان قوانین و مقررات شفاف در زمینه حقوق اولیا، کم‌توجهی برخی مدیران آموزش و پرورش در استان‌ها و مناطق به انجمن اولیا و مربیان، عدم استفاده مناسب از رسانه‌های ارتباط جمعی از جمله تلویزیون در جهت اطلاع‌رسانی در این زمینه و کمبود منابع و امکانات انجمن اولیا و مربیان را می‌توان ذکر کرد.

راه کارهای افزایش مشارکت اولیا در مدرسه

برای مشارکت اولیا در امور مدرسه، تدوین راهبردی مبتنی بر سازمان‌دهی و اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی که بتواند مشارکت حداکثری اولیا را به دنبال داشته باشد، از اهمیت و ضرورت خاص برخوردار است. البته سیاست مشارکتی باید با سیاست‌های تغییر نگرش مدیران و اولیا نسبت به برقراری ارتباط با هم و افزایش انگیزه در آن‌ها همراه باشد تا نتایج اثر بخش حاصل بشود. در کنار اقدامات فوق برخی از راه‌هایی که موجب افزایش مشارکت اولیا می‌شود عبارت‌اند از:

۱- زمان کافی برای مشارکت اولیا وجود داشته باشد. در این جهت، دولت می‌تواند با تصویب قانونی، حضور اولیا به ویژه پدران را در زمان برگزاری انتخابات انجمن اولیا و مربیان مدرسه و نیز تشکیل جلسات عمومی انجمن در طی سال، به مدت ۸ ساعت قانون‌مند نموده، جزء زمان کار آن‌ها به حساب آورد.

